

ارتباط سبک های فرزند پروری والدین با استعداد استعمال مواد مخدر در دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر زابل

محدثه میری^۱، محمد میر^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی

^۲ دکتری فلسفه، استاد دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

اعتیاد یک مشکل بزرگ فردی و اجتماعی است که علاوه بر عوارض جسمی و روانی، سلامت جامعه را نیز از نظر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد تهدید و آسیب قرار می دهد. عوامل متعدد خانودگی و اجتماعی در ایجاد استعداد اعتیاد و استعمال مواد مخدر نقش دارند که با شناخت آن ها می توان برنامه های پیشگیرانه را اجرا کرد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک های فرزند پروری والدین با استعداد استعمال مواد مخدر در دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر زابل صورت پذیرفت. روش اجرای این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه شیوه های فرزند پروری شیفر (۱۹۶۵)، پرسشنامه استعداد اعتیاد چندوجهی مینه سوتا (MMP-۲) (۱۳۸۶) می باشد جامعه آماری در این پژوهش شامل ۲۵۷۳۲ نفر می باشد حجم نمونه با توجه به جامعه آماری و جدول کرجسی ۱ و مورگان ۲ (۱۹۷۰) برابر با ۳۶۴ نفر تخمین زده، تعداد ۳۶۴ دانش آموز و والدین (۱۸۲ والدین) و (۱۸۲ دختر) به عنوان نمونه در دسترس در سنجش به واسطه پرسشنامه ها شرکت نمودند. داده های پژوهش نیز با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد بین سبک های فرزند پروری والدین با استعداد استعمال مواد مخدر در دانش آموزان دبیرستانی دختر شهرستان زابل رابطه وجود دارد. نتایج تحلیل واریانس حاصل از تفاوت میانگین استعداد استعمال مواد مخدر به تفکیک میزان تحصیلات والدین نشان می دهد که هرچه تحصیلات والدین بیشتر باشد اعتیاد در خانواده کاهش می یابد.

واژه های کلیدی: فرزند پروری، استعمال، استعداد اعتیاد، دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان، شهر زابل

مقدمه:

خانواده نظام منسجمی است که نقش بسیار مهمی در شکل گیری شخصیت فرزندان دارد و در روانشناسی کاربردی امروز در مباحثی مانند روان شناسی خانواده، رفتارها و اصول تربیتی والدین که از آن تحت عنوان شیوه های فرزندپروری یاد می شود، و نوع برخورد والدین و تعاملات عاطفی شان با فرزندان اهمیت خاصی دارد. از مهمترین نقشهایی که پدر و مادر به عنوان اعضای اصلی خانواده ایفا می کنند تربیت و هدایت فرزندان و چگونگی برقراری پیوند عاطفی امن می باشد. در این زمینه مهمترین عامل شکل گیری شخصیت فرزند به تجربه های دوران کودکی او با مراقب اولیه خود که اغلب مادر است باز می گردد. کودکان در سالهای اولیه زندگی خود در مقابل مراقب اصلی که معمولاً مادر است احساس امنیت می کنند و مادر را به عنوان پناهگاه و تکیه گاهی برای خود می بینند و هر نوع خلاء و کمبودی در این مهم مشکلاتی را برای فرد به بار می آورد

اعتیاد یک بیماری زیست شناختی، روانشناختی و اجتماعی است و عوامل متعددی در سبب شناسی سوء مصرف و اعتیاد موثر هستند که در تعامل با یکدیگر به شروع و سپس اعتیاد منجر می شود (رحیمی موقر و همکاران، ۱۳۷۶: ص ۱۲). اعتیاد یک مشکل بزرگ فردی و اجتماعی است که علاوه بر عوارض جسمی و روانی آن برای افراد معتاد، سلامت جامعه را نیز از نظر اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد تهدید و آسیب قرار میدهد (دین محمدی، ۱۳۸۷: ص ۳۱). عنوان استعداد اعتیاد به این معناست که این امر آمادگی یا آسیب پذیری در مقابل سوء مصرف مواد را ارزیابی می کند اعم از اینکه فرد در حال حاضر سوء مصرف داشته باشد یا نه (مومنی و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۴) خصوصیات روانی- شخصیتی معتادان به مواد مخدر صرفاً ناشی از مواد مخدر نیست بلکه معتادان، قبل از اعتیاد دارای نارسایی های روانی و شخصیتی عدیده ای بوده اند که بعد از اعتیاد به صورت مخرب تری ظاهر و تشدید شده، لذا مشکل معتاد تنها مواد مخدر نیست، بلکه در اصل رابطه متقابل شخصیت او و اعتیاد مطرح است (مار و همکاران^۲، ۲۰۰۹، به نقل از حجتی و همکاران، ۱۳۸۹: ص ۴۱). اعتیاد به عنوان یکی از معضلات جوامع بشری در مسیر خود پیر، جوان، نوجوان و حتی کودکان را نیز در بر گرفته است و مشکلات و معضلات اجتماعی بسیاری را موجب شده است. این موضوع متخصصان و مسئولان را بر آن داشته تا برای پیشگیری از این معضل اجتماعی تلاش کنند (باقری، ۱۳۸۲، به نقل از قنبری طلب و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۲۱). وابستگی به مواد یکی از مهمترین آسیبهای اجتماعی محسوب میشود که میتواند پایه و اساس بسیاری از آسیب ها و معضلات اجتماعی در سطح جامعه باشد. به نظر میرسد با وجود مطالعات زیادی که طی چند سال اخیر در مورد شناخت، پیشگیری و درمان سوء مصرف مواد مخدر صورت گرفته است، هنوز تا رسیدن به هدف نهایی راه بسیار طولانی در پیش است، چراکه مقوله ی اعتیاد پدیده ای چند بعدی و چند عاملی است (عفتی و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۱).

بیشترین افراد ناسازگار و مسأله دار، وابسته به خانواده های آسیب دیده هستند و فرزندان که مربوط به خانواده های پر کشمکش می باشند به سبب عدم برخورداری از آرامش روانی و عدم تمرکز و آشفتگی بیشتر در معرض رفتارهای ناسازگارانه قرار دارند (بیابانگرد، ۱۳۷۳: ص ۴۳). با توجه به موارد بیان شده، تحقیق حاضر با هدف بررسی سبک های فرزند پروری والدین با استعمال مواد مخدر در ایجاد استعداد اعتیاد دانش آموزان می باشد تا بر اساس یافته های آن بتوان پیشنهادات و توصیه هایی در جهت مبارزه با سوء مصرف موادمخدر و پیشگیری از این عادت مضر در قشر دانش آموز ارائه نمود.

اعتیاد

تعریف های متعددی از اعتیاد ارائه گردیده، اما تعریف جامع و قابل قبول از سوی کمیسیون بهداشت جهانی، بدین شرح است: اعتیاد به مواد مخدر، مسمومیت حاد یا مزمنی است که مضر به حال شخص و اجتماع می باشد و زاییده مصرف دارویی طبیعی

^۱ Parenting style

^۲ Mourners

و صنعتی بوده و مصرف آن، عوارض روحی و جسمی را در پی دارد. (کفایشیان، ۱۳۸۱: ص ۱۴). هنوز نوعی وفاق کلی بر سر تعریف اعتیاد به مواد مخدر به عنوان جرم یا بیماری وجود ندارد و دستگاههای مسئول، رویکرد های متفاوتی نسبت به آن دارند. در واقع امر، هم آنکه معتاد را بیمار تلقی می کند و هم آن کس که او را مجرم می شمارد، فراموش کرده اند که معتاد بیش و بیش از هر چیز قربانی است قربانی سازماندهی نادرست اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی هم آنکه معتاد را بیمار تلقی می کند و هم آن کس که او را مجرم می شمارد موضوع را فردی می کنند در این رویکرد معتاد یا بیمار است که باید او را با دارو درمان کرد و یا مجرم و سرکش و پرخاشگر که باید او را با تنبیه سرکوب و با دارو آرام کرد به هر حال مشکل به فرد و شخصیت و نگاه و نگرش او نسبت داده می شود غافل از آنکه مسئله اجتماعی با اصلاح فرد حل نخواهد شد و باید به مسئله اعتیاد به مواد مخدر با رویکرد مترقی تری برخورد کرد جایی که اعتیاد به مواد مخدر به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده در بر خورد با آن نیز باید همه گروه ها و سازمان های جامعه دخالت داشته باشند. (اورنگ، ۱۳۶۷: ص ۴۶).

اعتیاد عبارت است از وابستگی به عوامل یا موادی که تکرار مصرف آن ها با کم و کیف مشخص و در زمان معین از دیدگاه معتاد ضروری می نماید. یعنی تداوم بخشیدن به مواد و عوامل مخدر (درمان عامیانه)، غیرمعمول و دور از موازین علمی می باشد. در اعتیاد فرد وابستگی جسمانی و روانی به عوامل مخدر را پیدا می کند به طوری که این روند به صورت یک عادت در می آید و خود معتاد را چنان وابسته می کند که به طور نامعقول و از طریق راهکارهای مختلف از جمله (دزدی) برای بدست آوردن مواد و می دارد. مواد مخدر به دلیل اثرات دارویی که دارد نوعی آرامش کوتاه مدت توأم با تغییر در سطح بیولوژی و فیزیولوژی و تغییر در بخش مهم بدن که سلسله اعصاب مرکزی می باشد را بوجود می آورد. اعتیاد به مواد مخدر یک بیماری اصلی پیش رونده و کشنده است، این عارضه نوعی ارتباط تسکین دهنده با یک ماده روان گردان یا تاثیرگذار بر ذهن یا رفتاری که ما را در برابر میل بیش از حد ناتوان میکند (دانشگر و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۲۳).

استعداد اعتیاد

عنوان استعداد اعتیاد به این معناست که این امر آمادگی یا آسیب پذیری در مقابل سوء مصرف مواد را ارزیابی می کند اعم از اینکه فرد در حال حاضر سوء مصرف داشته باشد یا نه (مومنی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۳۳). خصوصیات روانی - شخصیتی معتادان به مواد مخدر صرفاً ناشی از مواد مخدر نیست بلکه معتادان، قبل از اعتیاد دارای نارسایی های روانی و شخصیتی عدیده ای بوده اند که بعد از اعتیاد به صورت مخرب تری ظاهر و تشدید شده، لذا مشکل معتاد تنها مواد مخدر نیست، بلکه در اصل رابطه متقابل شخصیت او و اعتیاد مطرح است (مار و همکاران، ۲۰۰۹، به نقل از حجتی و همکاران، ۱۳۸۹: ص ۲۱).

فرزند پروری

قابلیت های اجتماعی کودکان مطالعه و بررسی نمایند یکی از مهم ترین مباحث در این حوزه (فرزندپروری)^۳ نامیده میشود (محمدخانی، ۱۳۸۴: ص ۳۲).

فرزند پروری فعالیت پیچیده ای شامل روش ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزند پروری مبین تلاش های والدین برای کنترل اجتماعی کردن کودکان شان است (بامریند^۴، ۱۹۹۱: ص ۵۵۱).

^۳ Parenting

^۴ Responded

البته باید توجه داشت که در این تعریف روش های بهنجار فرزندپروری مورد نظر است و روش هایی چون سو استفاده از کودکان را در بر نمی گیرد. بامریند روش های فرزند پروری را براساس تفاوت های آن در کنترل فرزندان متمایز کرده است اگر چه والدین ممکن است در چگونگی کنترل و اجتماعی کردن فرزندان خود با یکدیگر تفاوت داشته باشند ولی به نظر می رسد که همه والدین در تعلیم و تربیت و نظارت بر فرزندان نقش اولیه را به عهده دارند

در متون اسلامی نیز به فرزند پروری فعالیت پیچیده شامل رفتارها، زمینه سازی ها، آموزش ها تعامل ها و روش هایی است که به طور مجزا و در تعامل با یکدیگر بر رشد شناختی معنوی عاطفی رفتاری در ابعاد فردی و اجتماعی تاثیر می گذارد دیدگاه اسلامی مسئولیت فرزند پروری در اصل به عهده پدر و مادر است حضرت علی (ع) می فرماید: والدین باید برای آموزش و تربیت فرزندان بهترین شیوه ها را به کار گیرند همچنین رسول اکرم چهره دیگر این مسئولیت پذیری از ناحیه والدین را حق فرزند بر والدین دانسته و بر لزوم پذیرش مسئولیت آموزش و پرورش فرزند تاکید فرموده است امام صادق (ع) نیز به تاثیر والدین در بهداشت روانی، اخلاقی، شخصیتی، و اجتماعی فرزندان و نسل های بعد به آنان را به نوعی عملکرد آموزشی و تربیتی والدین منوط دانسته است تعامل میان والدین و فرزندان با روش فرزند پروری آنان ارتباط دارد و به دلیل انطباق های مداومی که در آن صورت می گیرد پدیده پویا است برای مثال: مادران و نوزادان و کودکان نو پای خود را مرتب در آغوش می گیرند و نوازش می کنند ولی به تدریج که کودکان بزرگ می شوند ابراز محبت مادر تغییر شکل پیدا می کند زیرا کودک از نظر شناختی رشد یافته و تغییر کرده است بنابراین همزمان با رشد کودکان روش ابراز محبت والدین به فرزندان از نظر شکل و فراوانی تغییر پیدا می کند (مینایی، ۱۳۸۴: ص ۲۱۵).

وضعیت اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و نگرش والدین نسبت به فرزند پروری بر تعامل میان والدین و فرزندان تاثیر گذار است همچنین تغییرات بهنجار در تعامل والدین و کودکان در اجتماعی شدن کودکان نقش دارد شناخت تغییرات بهنجار در تعامل والد - کودک از عناصر کلیدی رویکردهای پویا محسوب میشود .

سبک های فرزند پروری

سبک های فرزند پروری یا شیوه های تربیتی والدین بروز ناهنجارهای رفتاری فرزندان اثرات قابل توجهی دارد نقش کیفیت رفتار والدین بر عملکرد تحصیلی، روابط با همسالان و سازگاری در دوره نوجوانی مشخص شده است. (مکوبی، ۱۹۹۸: ص ۲۱). روش های متفاوتی برای فرزند پروری مطرح شده اند؛ از یک دیدگاه فرزند پروری به ۴ روش تقسیم شده است که بر تقاضاها و پاسخ دهی والدین مبتنی است و عبارتند از:

۱- شیوه مقتدرانه ۲- شیوه سهل گیرانه ۳- شیوه مستبدانه ۴- شیوه مسامحه کارانه.

سبک های فرزند پروری واجد دو مولفه اساسی هستند:

۱- پاسخدهی (صمیمیت و اطمینان بخشی) که به میزان تلاش والدین برای رشد ابراز وجود و استقلال در کودکان، حمایت و اطمینان بخشی به کودکان و توجه به نیازهای آنان اشاره دارد

۲- تقاضاهای والدین (کنترل رفتاری) که به تلاش والدین برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان در خانواده از طریق داشتن تقاضاهای متناسب با توانایی های فرزندان، نظارت بر آنان و وضع مقررات اشاره دارد. (بارمریند، ۱۹۹۱: ص ۴۳).

نظریه های پیدایش اعتیاد

نظریه روان شناختی

نظریه روان شناختی بر تفاوت های فردی اشخاص در شیوه تفکر و احساس درباره رفتار خویش تأکید دارند. تفاوت هایی که می تواند به شکل تفاوت هایی ظریف و جزئی در رفتار برخی افراد با افراد متعارف یا حتی در قالب اختلالات وخیم شخصیتی ظاهر شود و برخی افراد را به سبب عللی مانند افزایش خشم و عصبانیت، کمی وابستگی و تعلق خاطر به یکدیگر، یا تمایل به خطر کردن و لذت جویی با شدت بیشتری مستعد ارتکاب رفتارهای کج روانه سازد. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ص ۴۰۶).

نظریه زیست شناختی

نظریه زیست شناختی را می توان به دو حیطه تبیین های حاکی از اختلالات بدن و تبیین های ژنتیک تقسیم کرد. نظریه زیست شناختی، عوامل جسمی و زیستی را عامل پیدایش کجروی می شمرد. به نظر آن ها مجرمان و تبهکاران دارای ساختمان زیستی خاص هستند و با دیگران به لحاظ زیستی متفاوت می باشند. یعنی بین نقص بدنی و گرایش به انحرافات اجتماعی رابطه نزدیکی وجود دارد. روان پزشکان نیز ابتلا به بیماری ها و اختلالات روانی را ناشی از ضایعات وارد بر مغز می دانند. بر این اساس، عواملی مانند: ارث، کروموزوم ها، ژن ها، ابتلا به بیماری ها، جنسیت، سن و نژاد به نوعی عامل رو آوردن فرد به اعتیاد معرفی می شود. (داوری، ۱۳۸۱:ص ۱۲۶).

نظریه های جامعه شناختی

نظریه های جامعه شناختی، بر نقش مهم و اساسی محیط اجتماعی در شکل دادن به پدیده کجروی تأکید دارند و هنگام توجه به چگونگی شکل گرفتن رفتارهای کجروانه در صحنه اجتماع اساساً به عللی توجه می کنند که گروه ها یا قشرهایی را از اعضای آن، در معرض کجروی قرار می دهد. این دسته نظریه ها، شکل گیری رفتارهای کجروانه را عمدتاً به اموری مانند ساخت اجتماعی و شرایط و موقعیت های اجتماعی که فرد در آن ها قرار می گیرد نسبت می دهند. استدلال عمده در این دسته تبیین ها آن است که نهاد های اجتماعی و مناسبات کلی اجتماعی را باید به عنوان یک کل نگریست و بر همین اساس، کجروی را نیز در درون و در ربط و نسبت با آن باید مطالعه کرد. معمولاً این نظریه ها پاسخ به این پرسش را هدف خود قرار داده اند که چه چیزی در محیط های اجتماعی وجود دارد که مردم را کجرو و بزهکار می سازد. (محمدزاده کومله، ۱۳۹۴: ص ۴۴).

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف در زمره تحقیقات کاربردی نظری و به لحاظ شیوه جمع آوری اطلاعات از تحقیقات توصیفی - از نوع همبستگی و از شاخه مطالعات میدانی بوده که روش نمونه گیری به روش تصادفی انجام گرفته است.

ابزار جمع آوری داده ها

در این تحقیق به منظور جمع آوری داده های مورد نیاز از پرسشنامه پرسشنامه شیوه های فرزندپروری شیفر، پرسشنامه اعتیاد، پرسشنامه استعداد اعتیاد استفاده گردید.

پرسشنامه شیوه های فرزند پروری شیفر (۱۹۶۵)

پرسشنامه شیوه های فرزندپروری والدین که توسط نقاشیان در سال ۱۳۵۸ بر مبنای کار شیفر (۱۹۶۵) در شیراز تدوین شده بود استفاده شد. این پرسشنامه دو بعد محبت (سردی و گرمی) و کنترل (کنترل - آزادی) تدوین شده و شامل ۷۷ گزینه مثبت و منفی میباشد.

ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سالها نظر صاحب نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف را به وجود می آورد.

هر خانواده ای شیوه های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد. این شیوه ها که شیوه های فرزندپروری نامیده می شوند متاثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره میباشد (هاردی و همکاران ۱۹۹۳)

۱. محبت (سردی و گرمی) : سوالات ۴۳ تا ۷۷

۲. کنترل : سوالات ۱ تا ۴۲

براساس طیف لیکرت بوده و به صورت زیر درجه بندی شده است :

خیلی موافق	موافق	بی نظر	مخالف	خیلی مخالف
۵	۴	۳	۲	۱

جمع نمرات حاصل از مولفه محبت را اینجا بنویسید

جمع نمرات حاصل از مولفه کنترل را اینجا بنویسید.....

با مقایسه این دو نمره میتوان فهمید که والدین کدام سبک فرزند پروری را برگزیده اند.

نقاشیان ضریب پایایی این آزمون را با روش تنصیف ۰/۸۷، یعقوبخوانی (۷۲) با روش تنصیف و آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و ۰/۸۲ و تهمتن (۱۳۷۷) از طریق آلفای کرونباخ برای بعد کنترل- آزادی ۰/۷۴ و برای سردی - گرمی روابط ۰/۸۹ و برای کل مقیاس ۰/۸۵ گزارش کردند.

نقاشیان در مطالعه اولیه خود روایی آزمونی را از طریق روایی محتوایی بدست آورد. یعقوبخوانی جهت تاثیر روایی عاملی سوالات از روش تحلیل مولفه های اصلی با استفاده از چرخش واریماکس استفاده کرد و در کل نتیجه نشان داد که تحلیل عوامل تاییدکننده روایی سوالات بوده است.

پرسشنامه استعداد اعتیاد:

برای بررسی ریسک اعتیاد و یا سنجش اعتیاد تاکنون مقیاس های متعددی ساخته و ارزیابی شده است. در این میان آزمون های اجرا و ارزیابی شده سه خرده مقیاس پرسشنامه چندوجهی مینه سوتا (MMP۱-۲)، شامل مقیاس تجدیدنظر شده می بارگی مک اندرو (MAC-R)، مقیاس استعداد اعتیاد (APS) و مقیاس پذیرش اعتیاد (AAS) دارای کاربرد و شهرت بیشتری هستند.

از آنجا که ارزیابی های علمی در حیطه پیشگیری و درمان نیازمند وجود یک ابزار مناسب و کارآمدند، مواد این مقیاس ها و چگونگی نمره گذاری آنها معرفی خواهند شد. این آزمون ها را رستمی و همکارانش (۱۳۸۶) در ایران هنجاریابی کرده اند. که پایایی و روایی آن به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۶۵ بدست آمد. مواد سه مقیاس استعداد اعتیاد (APS)، مقیاس تجدیدنظر شده می بارگی مک اندرو (MAC-R) و مقیاس پذیرش اعتیاد (AAS) به ترتیب در قسمت های الف، ب و پ این ضمیمه آمده اند. این مقیاس ها با کسب اجازه از نویسندگان جهت بهره برداری معرفی می گردند.

نتایج

در این بخش از طریق آمارهایی مانند کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف معیار داده های پژوهش توصیف شده است.

جدول (۱-۴) آماره های توصیفی شیوه های فرزند پروری و زیر مقیاس های آن

شاخص های آماری	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
نمره کل شیوه های فرزند پروری	۳۶۴	۵۰،۰۰	۱۰۳،۰۰	۷۹،۸۱۰۴	۹،۳۳۳۷۲
سهل گیرانه	۳۶۴	۱۳،۰۰	۳۴،۰۰	۲۵،۷۰۶۰	۳،۵۳۷۱۱
مستبدانه	۳۶۴	۱۵،۰۰	۳۷،۰۰	۲۵،۲۳۰۸	۴،۴۸۱۵۶
مقتدرانه	۳۶۴	۱۳،۰۰	۳۹،۰۰	۲۷،۷۷۷۵	۴،۴۲۴۷۵

در جدول (۱-۴)، همان گونه که مشاهده می شود میانگین کلی متغیر شیوه های فرزند پروری برابر با $79/8104$ است و در زیر مقیاس های آن بیشترین میانگین مربوط به مقتدرانه ($27/77$) و کمترین میانگین مربوط به مستبدانه ($25/23$) است. همچنین از نظر شیوه های فرزند پروری در حد متوسط قرار دارند.

جدول (۳-۴) آماره های توصیفی استعداد استعمال مواد مخدر و زیر مقیاس های آن

شاخص های آماری	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
متغیرها					
نمره کل استعداد استعمال مواد مخدر	۳۶۴	۷۷,۰۰	۱۴۵,۰۰	۱۱۳,۴۶۱۵	۱۲,۳۲۵۵۳

در جدول (۳-۴)، همان گونه که مشاهده می شود میانگین کلی متغیر استعداد استعمال مواد مخدر برابر با $113/46$ می باشد. همچنین استنباط می شود که استعداد استعمال مواد مخدر در میان دختران بالاست.

فرضیه اول

بین سبک های فرزند پروری والدین با استعداد استعمال مواد مخدر در دانش آموزان دبیرستانی دختر شهرستان زابل رابطه وجود دارد.

جدول (۵-۴) همبستگی سبک های فرزند پروری والدین با استعداد استعمال مواد مخدر

متغیرها	استعداد استعمال مواد مخدر
سهل گیرانه	$0,085$
مستبدانه	$0,001$
مقتدرانه	$0,222^{**}$
سبک های فرزند پروری والدین	$0,369^{**}$
	$P < 0,01^{**}$
	$P < 0,05^{*}$

همانطور که نتایج جدول (۵-۴) نشان می دهد، متغیرهای سبک های فرزند پروری والدین و زیر مقیاس آن (مقتدرانه) با استعداد استعمال مواد مخدر به ترتیب با ضرایب همبستگی ($r=0/222$)، و ($r=0/369$) دارای رابطه ی مثبت و در سطح آماری ($P < 0/01$) معنادار هستند؛ همچنین بین متغیرهای سهل گیرانه و مستبدانه با استعداد استعمال مواد مخدر به ترتیب با ضرایب همبستگی ($r=0/085$) و ($r=0/001$) رابطه معناداری ($P > 0/05$) وجود ندارد.

فرضیه دوم تحقیق

سبک های فرزند پروری والدین می تواند استعداد استعمال مواد مخدر را در دانش آموزان دبیرستانی دختر شهرستان زابل پیش بینی کند.

جدول (۶-۴) نتایج رگرسیون چندگانه برای پیش بینی استعداد استعمال مواد مخدر توسط سبک های فرزند پروری والدین

متغیر	R	R square	F	احتمال آماره F	B	خطای استاندارد	Beta	t	سطح معنی داری
سبک فرزند پروری سهل گیرانه	۰,۲۶۱	۰,۰۶۸	۸,۷۷۶	۰,۰۰۰	۰,۳۱۲	۰,۱۸۴	۰,۰۸۹	۱,۶۹۱	۰,۰۹۲

سبک فرزند پروری مستبدانه				۰,۳۹۱	۰,۱۶۰	۰,۱۴۲	۲,۴۴۵	۰,۰۱۵
سبک فرزند پروری مقتدرانه				۰,۷۵۷	۰,۱۵۷	۰,۲۷۲	۴,۸۲۳	۰,۰۰۰

نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه در این بخش (جدول ۴-۶) نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین به طور همزمان توانستند ۶,۸ درصد از واریانس استعداد استعمال مواد مخدر را تبیین کنند ($R^2 = 0/068$; $R = 0/261$). ضریب رگرسیونی (بتا) مبین آن است که سبک فرزند پروری مستبدانه، ($\beta = 0/142$; $P < 0/05$)، و سبک فرزند پروری مقتدرانه ($\beta = 0/272$; $P < 0/05$)، با استعداد استعمال مواد مخدر رابطه مثبت و معناداری دارند به گونه‌ای که با افزایش در متغیرهای پیش بین میزان استعداد استعمال مواد مخدر افزایش می‌یابد. همچنین متغیر سبک فرزند پروری سهل گیرانه ($\beta = 0/089$; $P > 0/05$)، با استعداد استعمال مواد مخدر رابطه معناداری ندارد، آزمون آماری F برای معنی‌داری ضریب همبستگی برابر با ۸/۷۷۶ است که در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است و نشان می‌دهد متغیرهای مستقل از قدرت تبیین بالایی برخوردار بوده و قادر است به‌خوبی تغییرات واریانس متغیر وابسته را توضیح دهند.

فرضیه سوم تحقیق

بین استعداد استعمال مواد مخدر در دانش آموزان دختر براساس میزان تحصیلات والدین تفاوت وجود دارد
جدول (۴-۸) نتایج تحلیل واریانس حاصل از تفاوت میانگین استعداد استعمال مواد مخدر به تفکیک میزان تحصیلات والدین

متغیر	سطح تحصیلات	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون آنالیز واریانس درجه آزادی F	سطح معنی داری
	زیر دیپلم	۵۱	۱۱۶,۸۵	۱۳,۴۴		
	دیپلم	۸۱	۱۱۴	۱۲,۳۰		
استعداد استعمال مواد مخدر	کاردانی	۶۰	۱۱۳,۶۱	۹,۲۹	۳۶۳	۰,۰۱۳
	لیسانس	۱۱۴	۱۱۲,۱۴	۱۲,۱۷		
	کارشناسی ارشد	۴۹	۱۱۲,۱۱	۱۳,۴۵		
	دکتر	۹	۱۰۳,۲۲	۶,۴۹		

همانطور که جدول (۴-۸) نشان می‌دهد مقدار آماره F برابر ۲,۹۴۵ می‌باشد. با توجه به سطح معناداری ۰,۰۱۳ که از ۰/۰۵ کوچکتر است، تفاوت میانگین استعداد استعمال مواد مخدر در دانش آموزان دختر براساس میزان تحصیلات والدین معنادار می‌باشد، همچنین نتایج جدول نشان می‌دهد هر چه والدین سطح تحصیلات پایین تری داشته باشند استعداد استعمال مواد مخدر در دانش آموزان دختر افزایش می‌یابد.

نتیجه گیری

فرضیه اول تحقیق : سبک های فرزند پروری والدین و تجربه استعمال مواد مخدر در والدین پیش بینی کننده استعداد استعمال مواد مخدر در دانش آموزان دبیرستانی دختر شهرستان زابل می باشد.

همانطور که نتایج جدول (۴-۵) نشان می‌دهد، متغیرهای سبک های فرزند پروری والدین و زیر مقیاس آن (مقتدرانه) با استعداد استعمال مواد مخدر به ترتیب با ضرایب همبستگی ($r = 0/222$)، و ($r = 0/369$) دارای رابطه ی مثبت و در سطح

آماري ($P < 0/01$) معنادار هستند؛ همچنین بین متغیرهای سهل گیرانه و مستبدانه با استعداد استعمال مواد مخدر به ترتیب با ضرایب همبستگی ($r = 0/085$) و ($r = 0/011$) رابطه معناداری ($P > 0/05$) وجود ندارد.

از آنجا که بسیاری از رفتارهای فرزندان در ابتدا در محیط خانواده شکل می گیرد بنابراین اعتیاد والدین می تواند تاثیر ناسازگاری بر روی شکل گیری رفتار فرزندان بگذارد. مطالعات نشان داده اند که فرزندان افراد معتاد خطر بالاتری جهت گرایش به مواد مخدر دارند. زیرا غالباً رفتار والدین را به صورت مداوم تقلید می کنند و آن را عاقلانه می پندارند لذا به دنبال حس کنجکاری در پی آزمودن موادی برمی آیند که والدین مصرف می کنند. (آسایش و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۵). به عنوان مثال بر اساس نتایج تحقیق ناستیازی و همکاران مشخص شد که عواملی مانند والدین معتاد و محیط زندگی آلوده، دوستان معتاد (افراد هنجار شکن) در گرایش نوجوانان به استعمال مواد مخدر نقش چشمگیری دارند. همچنین هدیه سیدمکی در پژوهش خود به این نتیجه رسید که عوامل مختلف مانند فقر اقتصادی و مالی خانواده، بی سوادی والدین، سابقه اعتیاد به مواد مخدر در بین اعضای خانواده و را میتوان از عوامل اصلی استعمال مواد مخدر در بین نوجوانان می باشد. از نتایج همسو با یافته های پژوهش حاضر می توان به تحقیق نصیری زرنندی و همکاران که در سال ۱۳۹۱ در شهر زنجان انجام داده اند می توان اشاره کرد. آنها در این تحقیق پی بردند که بین مصرف مواد در خانواده و استعمال مواد مخدر توسط نوجوانان رابطه وجود دارد. استعداد استعمال مواد مخدر نشان داد که نوجوانان وابسته به اعتیاد، سبک فرزند پروری آنان بیشتر استبدادی و آزاد گذرانه و اقتدار منطقی دارند. این نتیجه با نتایج آقایی و همکاران (۱۳۹۴) مطابقت و همخوانی دارد. آقایی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود تحت عنوان بررسی رابطه ی شیوه های فرزند پروری با اعتیاد استعمال مواد مخدر و سلامت اجتماعی دانش آموزان دختر دبیرستان های شهرستان به این نتیجه دست یافتند که بین شیوه فرزند پروری سهل گیرانه با استعداد مواد مخدر رابطه ی معنی دار و مستقیم وجود دارد. بدین صورت که با بالا رفتن میزان ارتباط عاطفی در خانواده، اعتیاد جوانان کاهش می یابد و برعکس با کاهش میزان ارتباط عاطفی در خانواده، میزان اعتیاد جوانان افزایش می یابد. لذا والدین با گوش دادن به صحبت های فرزندان، حمایت از رفتارهای مثبت، پسندیده و سالم، توجه کردن به احساسات و عواطف آنها کمک کنند تا فرزندان با ایجاد رابطه ای نزدیک و صمیمانه با آنها در صدد مقابله با بحران های زندگی برآیند. والدین اجازه دهند تا با بحث و گفتگو، احساس مسئولیت، ارزشمندی و خود کارآمدی در آنها رشد و تقویت شود. والدین با گزینش روش های معقول و سنجیده، راه رسیدن به استقلال فردی و رشد اجتماعی را برای فرزندان روشن نمایند. در صورتی که روابط بین اعضای خانواده گرم، صمیمی، حمایت گر و غیر مداخله جویانه باشد، فرزندان را از گرایش به اعتیاد باز می دارد و محیط خانواده را به پناهگاهی عاطفی و امن تبدیل می کند که فرزندان در آن احساس امنیت نمایند.

فرضیه دوم تحقیق: سبک های فرزند پروری والدین می تواند استعداد استعمال مواد مخدر را در دانش آموزان دبیرستانی دختر شهرستان زابل پیش بینی می کند.

نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه در این بخش (جدول ۴-۶) نشان می دهد که متغیرهای پیش بین به طور همزمان توانستند ۶۸ درصد از واریانس استعداد استعمال مواد مخدر را تبیین کنند ($R^2 = 0/068$ ؛ $R = 0/261$). ضریب رگرسیونی (بتا) مبین آن است که سبک فرزند پروری مستبدانه ($\beta = 0/142$ ؛ $P < 0/05$)، و سبک فرزند پروری مقتدرانه ($\beta = 0/272$ ؛ $P < 0/01$) با استعداد استعمال مواد مخدر رابطه مثبت و معناداری دارند به گونه ای که با افزایش در متغیرهای پیش بین میزان استعداد استعمال مواد مخدر افزایش می یابد. همچنین متغیر سبک فرزند پروری سهل گیرانه ($\beta = 0/089$ ؛ $P > 0/05$)، با استعداد استعمال مواد مخدر رابطه معناداری ندارد، آزمون آماری F برای معنی داری ضریب همبستگی برابر با ۸/۷۷۶ است که در سطح ۰/۰۱ معنی دار است و نشان می دهد متغیرهای مستقل از قدرت تبیین بالایی برخوردار بوده و قادر است به خوبی تغییرات واریانس متغیر وابسته را توضیح دهند.

این نتیجه با نتایج تحقیقات بشارت و همکاران (۱۳۸۰)، غلامی آبیژ (۱۳۸۱)، یار محمدیان (۱۳۸۳)، رئیسی و همکاران (۱۳۸۷)، فروغی و صادقیان (۱۳۸۹)، بروک (۲۰۰۳) و شدلر و بلاک (۲۰۰۷) هم خوانی دارد. بدین معنی که با بالا رفتن میزان اختلاف و ناسازگاری اعضای خانواده، اعتیاد جوانان افزایش می یابد و برعکس با کاهش میزان اختلاف و ناسازگاری اعضای

خانواده، اعتیاد جوانان نیز کاهش می‌یابد. اختلاف و ناسازگاری و تعارض بین اعضاء خانواده به ویژه والدین، زمینه‌های گریز از کانون خانواده و پناه بردن به کانون‌هایی که فرد در آنجا پذیرفته می‌شود را فراهم می‌سازد و این کانون‌ها، اغلب فضای خطرآفرین‌گرایش به اعتیاد را برای فرد مهیا می‌سازند و یا فرد برای گریز از واقعیت‌ها، ممکن است به مواد مخدر پناه ببرد. لذا اعضاء خانواده، به ویژه والدین می‌بایست محیط خانواده را عاری از هرگونه تنش، اختلاف و ناسازگاری نمایند تا فرزندان بتوانند در محیطی آرام و سالم در کنار آن‌ها زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند و از گرایش به اعتیاد مصون بمانند. فرضیه چهارم تحقیق: بین استعداد استعمال مواد مخدر در دانش‌آموزان دختر براساس میزان تحصیلات والدین تفاوت وجود دارد.

همانطور که جدول (۴-۸) نشان می‌دهد مقدار آماره F برابر ۲,۹۴۵ می‌باشد. با توجه به سطح معناداری ۰,۰۱۳ که از ۰/۰۵ کوچکتر است، تفاوت میانگین استعداد استعمال مواد مخدر در دانش‌آموزان دختر براساس میزان تحصیلات والدین معنادار می‌باشد، همچنین نتایج جدول نشان می‌دهد هر چه والدین سطح تحصیلات پایین‌تری داشته باشند استعداد استعمال مواد مخدر در دانش‌آموزان دختر افزایش می‌یابد.

یافته‌های جدید بالینی نشان می‌دهد که در شکل‌گیری اعتیاد، زمینه‌های رشدی ناسالم و استعداد و آمادگی برای اعتیاد، نقش اساسی ایفا می‌کنند. نظریه‌ی استعداد اعتیاد بیان می‌کند برخی از افراد مستعد اعتیاد هستند و اگر در معرض آن قرار بگیرند، مبتلا می‌شوند در حالی که اگر کسی استعداد نداشته باشد، معتاد نمی‌شود. بر اساس اطلاعات موجود ۵ تا ۱۲ درصد افراد جامعه مستعد اعتیاد هستند (قدیمی و همکاران، ۱۳۳۳). به طور کلی اعتیاد یک بیماری پیچیده و چند وجهی است که در شکل‌گیری آن زمینه‌های آماده ساز نقش اساسی دارند و بنیان آن نخست در درون نظام خانواده و سپس در اجتماع ریخته می‌شود و والدین در این زمینه نقش اساسی دارند. در تایید یافته‌های این پژوهش می‌توان از تحقیقی که توسط سراج زاده (۱۳۷۷) بر اساس یک نمونه ۳۹۱ نفره از دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران انجام شد، نشان می‌دهد، هر چه میزان تحصیلات والدین کم‌تر باشد مصرف مواد مخدر در آنها بیشتر است. وحدت و زینالی (۱۳۸۸) با استفاده از پرسشنامه استعداد اعتیاد ویراست دانش‌آموزان نشان دادند، که دانش‌آموزان دختر دبیرستانی ایران که والدین با سواد دارند از نظر استعداد اعتیاد تفاوت معنی‌دار وجود دارند نسبت به دانش‌آموزانی که والدین بی‌سواد دارند. داده‌های بالا نشان می‌دهند، والدین با سواد نسبت به والدین کم‌سواد کمتر به مواد وابسته هستند و در استعداد و آمادگی برای اعتیاد نیز از هم تفاوت دارند. رمسی و پارتریج (۱۹۹۹) مطالعه‌ی در سطح ملی برتانیای بر روی نوجوانان ۱۶ تا ۲۹ ساله انجام دادند، نتایج پژوهش درصد مصرف حشیش و هر نوع ماده دیگر در طی یک سال گذشته را در والدین کم‌سواد بیشتر از والدین بی‌سواد نشان می‌دهد. در راستای تحقیق حاضر به تحقیقی اشاره می‌کنیم که شیرخانی در سال (۱۳۸۶) تحت عنوان علل سوق دهنده زنان به سوی اعتیاد انجام داد. و به این نتایج دست یافت که بین تحصیلات خانواده و اعتیاد دختران رابطه معناداری وجود دارد یعنی هرچه تحصیلات کمتر باشد احتمال معتاد شدن نیز بیشتر خواهد بود. همچنین بین وجود والدین با سواد در خانواده و والدین کم‌سواد نیز رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

منابع

- اورنگ، سیدرضا (۱۳۶۷) «خشونت و سوء مصرف مواد»، فصلنامه علمی پژوهشی مددکاری اجتماعی، سال سوم، شماره دهم.
- باقری، محمود. بیخیتار شوهانی، زینب. (۱۳۸۲). "بررسی رابطه عملکرد خانواده و باورهای غیر منطقی با گرایش به اعتیاد در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه شهر ایلام، اولین همایش ملی اسلام و سلامت روان، هرمزگان.
- بیابانگرد، عباسعلی، (۱۳۷۳). "بررسی اثراذراک از شیوه‌های فرزند پروری بر میزان نگرش بدبینانه" پایان نامه کارشناسی ارشد، (چاپ نشده)، مشهد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

حجتی، زینب، بشیری، لیلا، برهانی، مریم، محمد پور، شیرین (۱۳۸۹). "بررسی میزان اپیدمی اختلالات روانی و جسمی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و ارتباط آن با شیوه های فرزند پروری خانواده آنها، دومین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران .

دانشگر و همکاران (۱۳۹۰) «اعتیاد به مواد مخدر در آینه روابط خانوادگی»، ترجمه سعید پیرمرادی، نشر همام (اصفهان) داوری، اسماعیل. (۱۳۸۱). "بررسی مفاهیم منبع کنترل، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در پسران دانش آموز سال سوم، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

رحیمی موقر، اشرف (۱۳۷۶). "ارتباط شیوه های فرزندپروری والدین با پایگاه هویت در دانش آموزان پیش دانشگاهی شهر تهران .دومین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران .

سلیمی، علی. داوری، محمد. (۱۳۸۰). "جامعه شناسی کجروی، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه: قم.

عفتی و همکاران، علی (۱۳۹۰). "رابطه عملکرد خانواده با نگرش و استعداد نسبت به اعتیاد در دانش آموزان متوسطه، کنفرانس بین المللی علوم آموزشی و روان شناسی، حقوق و علوم اجتماعی در شروع هزاره سوم.

کفایشان، مسعود (۱۳۸۱). "آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر، فصلنامه علمی ، پژوهشی سؤ مصرف مواد، سال دوم، شماره ۵

محمد زاده کومله، صائب. (۱۳۹۴). "دانشجو، سوء مصرف مواد مخدر و روانگردان ها، ششمین همایش سراسری آسیب های پنهان زیست دانشجویی، کردستان، جهاد دانشگاهی، واحد کردستان.

محمدخانی، شهرام و اسکندری، حسین (۱۳۸۴). "بررسی همه گیر شناسی مشکلات رفتاری دانش آموزان ۱۵-۷ ساله شهر تهران. فصلنامه روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه، ۲، ۹۲-۷۱.

مینایی، اصغر (۱۳۸۴). "کتابچه راهنمای فرم های سن مدرسه نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ: انطباق و هنجاریابی، تهران: پژوهشکده کودکان استثنایی.

Barmreind , edurd , hueger , pither & marius nickel (۱۹۹۱). Relation ship between attachment style , parental bonding and alexithymia in adults with somatoform disorder .

Makobin v Martin. (۱۹۸۹). Internet and communication: Perceived social support and loneliness as antecedent variables. Psychological Studies, ۵(۳) ۸۱-۱۰۲

Masen , brownlee, keith & bruno attelan (۱۹۷۰). Is attachment theory consistent with aborjinal parenting realities?